

بازی با دشمن

لحظه‌هایی با سردار شهید مهدی باکری

قسمت چهارم

حبیب یوسف زاده / تصویرگر: علی محمدی، محمد طحانی



برادر مهدی، نظر شما دربارهٔ عملیات جنوب چیست؟

دشمن از ترسش نیروهای زیادی در جنوب جمع کرده، باید فریب بخورد. باید کاری کنیم که خیال کند از غرب حمله خواهیم کرد، اما آخرین لحظه از جنوب غافلگیرش کنیم.

اینها که گفتی درست، با این همه ماهواره‌های اروپایی و آمریکایی که حرکات ما را برای دشمن گزارش می‌کنند، چطوری فریبشان بدهیم؟

فریب دشمن در این شرایط کار آسانی نیست. به موقع‌اش توضیح می‌دهم. ضمناً به چند نکته باید توجه کنیم.
۱. این لباس‌های غواصی که الان داریم، حتی زیر نور کم ستاره‌ها برق می‌زنند. باید رنگ آنها طوری باشد که نور را منعکس نکنند.
۲. کفشک‌های غواصی هم، زیرشان صاف است. وقتی غواص‌ها به ساحل برسند، سر می‌خورند. باید کفشک‌های عاج‌دار تهیه کنیم تا لیز نخورند.
۳. قایق‌های تند رو که روی آنها تیربار نصب می‌کنیم سه نفره‌اند. قایق‌های سه نفره چون سبک هستند موقع تیراندازی تعادل خوبی ندارند. باید از قایق‌های پنج‌نفره برای این کار استفاده کنیم...

چطوری متوجه این ایرادها شده‌اید؟

کار زیاد سختی نبود. باید کمی دقت کنیم...

چند هفته است شب‌ها می‌روم، تمرین بچه‌های غواصی را زیر نظر می‌گیرم.

خیلی جالب است! شما فکر همه جا را کرده‌اید.

غیر از خودت ده نفر انتخاب کن. باید بروید ارتفاعات سومار و آنجا صد تا چادر برپا کنید و شب‌ها جلوی همهٔ چادرها فانوس روشن باشد. دشمن باید خیال کند، ما نیروی زیادی را آنجا مستقر کرده‌ایم.

تا یک ساعت دیگر راه می‌افتیم.

دقت کن از این ده نفر یکی حتماً آشپز باشد یکی هم امدادگر تا اگر کسی را عقرب نیش زد یا دل درد گرفت، او به دادش برسد. مراقب باش گالن نفت را کنار مواد غذایی نگذارید... بیا بگیر ۴۳ نکته را که باید رعایت کنید توی این کاغذ نوشته‌ام!



بچه‌ها بیکار ننشینید. باید هی از این چادر به آن چادر بروید تا نیروهای شناسایی دشمن خیال کنند توی این چادرها پر از رزمنده است.



احتمالاً برای عملیات آماده می‌شوند. مراقب باشید!!



قربان مهدی باکری، فرمانده لشکر ایرانی‌ها چند روز است که در این حوالی رفت‌وآمد دارد. ...



ما که این قدر سرکاریم، ببین دشمن بدبخت چقدر سرکار است!!

یک هفته است روزها سواره می‌آییم، شب‌ها پیاده برمی‌گردیم. به نظرم همگی سرکاریم!



سوی دیار عاشقان به کربلا می‌رویم به کربلا می‌رویم



حمیدجان، عراقی‌ها مثل زنبور اطراف سوما جمع شده‌اند. از غواص‌های خط‌شکن لشکر عاشورا چه خبر؟

داداش، همه در آمادگی کامل هستند. منتظر رمز عملیاتیم.